

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

بيع مسكر جامد

آیا همانطوری که از ادله استفاده کردیم بیع مسکر مایع بقصد الاسکار حرام است هم به حرمت تکلیفیه و هم به حرمت وضعیه، آیا مسکر جامد هم همینطور است یا خیر؟ بیان کردیم که فارق اصلی بین مسکر مایع و جامد این است که مسکر مایع مثل خمر عنوان نجاست دارد اما مسکر جامع عنوان نجاست ندارد. اما طبق مباحثی که ما مخصوصاً در سال گذشته عنوان کردیم گفتیم که خود نجاست بمایه نجاسته، مانعیت از بیع ندارد، بلکه اگر يك منفعت محله‌ای بر او مترتب باشد بیعش صحیح است.

دلیل اول بر حرمت بیع مسکر جامد

يك دليل را برای اینکه مسکر جامد مثل مسکر مایع هست در بحث گذشته خواندیم که همان مراجعه به اهل لغت بود و جواب آن را هم ذکر کردیم. دلیل دوم تنزیلات یا تعمیماتی است که در روایات آمده است. مثلاً در روایتی که در جلد ششم کافی، صفحه 408 است می‌فرماید: «کل مسکر خمر» یا روایت دیگر که از پیامبر(ص) در کتاب الاطعمه و اشربه وسایل، باب 15 از ابواب اشربه محرمة، حدیث اول، که فرموده است «کل مسکر حرام» یا در صحیح فضیل بن یسار: «قال ابتدأني ابو عبدالله(ع) يوما من غير ان أسأله» می‌فرماید يك روز امام صادق(ع) بدون این که من سؤالی کنم با من شروع به سخن کرد، امام صادق(ع) فرمودند، قال رسول الله(ص) كل مسكر حرام قلت اصلحك الله كله؟ فضيل بن يسار باز به امام عرض می‌کند که تمام مسکرات را می‌فرمایید؟ قال نعم، الجرعة منه حرام، يك جرعه از آن هم عنوان حرام را دارد.

بیان استدلال به روایت

استدلال به این روایات برای این است که در این روایات يك تنزیلی واقع شده است، یعنی و لو از نظر لغت به هر مسکری خمر گفته نشود و يك فرد خاصی از مسکرات عنوان خمر را داشته باشد، اما در این روایات تنزیل و تعمیم داده شده است فرموده اند، «کل مسکر خمر»، آیا شارع می‌تواند چنین کاری کند، که و لو از نظر عرفی و لغوی يك چیزی خمر نباشد و اگر عرف و لغت به يك چیز خاصی خمر گفتند، آیا شارع می‌تواند توسعه بدهد کما اینکه می‌تواند تضییق کند، چنانچه در این روایات توسعه داده و فرموده «کل مسکر خمر»؟ روشن است که این تعمیم و این که هر مسکری نازل منزله خمر است، شارع نمی‌خواهد در حقیقت خمر تصرف کند، حقیقت خارجی و تکوینی خمر قابلیت تصرف ندارد، بلکه می‌خواهد حکم را سرایت دهد، «کل مسکر خمر» یعنی هر حکمی که خمر دارد شامل کل مسکر هم می‌شود، اگر در خمر گفتیم که خوردن خمر بقصد الاسکار حرام است

نتیجه این می‌شود که خوردن کل مسکر هم به قصد اسکار حرام است. اگر در خمر ما گفتیم ببع آن هم حرمت تکلیفیه و هم حرمت وضعیه دارد ، «کل مسکر» نیز هم حرمت تکلیفیه و هم حرمت وضعیه دارد.

آن وقت بگوییم تمام احکام خمر، اعم از خوردن و حرمت تکلیفیه و وضعیه ، شامل همه مسکرات می‌شود چه مسکرات مایعه و چه مسکرات جامده. این بیان استدلال به این روایت، که ما بگوییم در این روایت اولاً «کل مسکر» هم شامل مسکرات مایعه می‌شود و هم شامل جامده. و بعد بگوییم این تنزیل به خمر ، در همه احکام است . نتیجه این می‌شود که اگر معامله خمر ، حرمت تکلیفیه و حرمت وضعیه دارد ، در مسکرات جامده هم همینطور است . آیا این استدلال صحیح است یا خیر؟

نقد استدلال به روایت

به نظر ما این استدلال مخدوش است . اولین وجه مخدوشیت این است ، این کلی را من عرض می‌کنم در خیلی جاهای فقه مورد استفاده قرار می‌گیرد ؛ ما در این که شارع مقدس می‌تواند چیزی را نازل منزله چیز دیگری قرار دهد - فی جمیع الاحکام او فی بعض الاحکام - این ثوبتاً امکان دارد ، اما آیا ما می‌توانیم از هر تنزیلی، عمومیت استفاده کنیم یانه؟ يك مثالی که در آن نکات زیادی دارد مثل این که شارع فرموده «الطواف بالبيت صلاة»، می‌گوید طواف کعبه در حکم صلات است . فقها می‌گویند کما این که صلات مشروط به طهارت است پس طواف هم مشروط به طهارت است . از این روایت ، طهارت را استفاده می‌کنند.

آیا غیر از این شرطیبت طهارت، مسایل دیگر را هم می‌توانیم استفاده کنیم؟ مثلاً در باب صلات ما می‌گوییم که «من تخوم الارض الى عنان السماء» عنوان کعبه را دارد ، اگر کسی يك کیلومتر زیر زمین برود ، اگر محاذی با کعبه بایستد آن قبله او است و اگر ده کیلومتر بالا برود و محاذی با قبله بایستد آن عنوان قبله را دارد - همین جا این نکته را عرض کنم که گاهی اوقات بعضی از فضلا ذکر می‌کنند که این مربوط به تمام مساجد است که هر مسجدی هر طور ساخته شد این «من تخوم الارض الى عنان السماء» عنوان مسجدیت را دارد. خیر، این تعبیر فقط راجع به کعبه است و راجع به آن کعبه‌ای است که در مسجد الحرام واقع شده است - حالا آیا ما می‌توانیم از «الطواف بالبيت صلاة» يك چنین حکمی استفاده کنیم، همانطوری که صلاة در 10 کیلومتری در بالا محاذی با کعبه صحیح است، طواف آنجا هم محاذی با کعبه صحیح است یانه؟ - در يك جزوای که در سال گذشته نوشتیم این بحث را مفصل مطرح کردیم - گاهی اوقات در بعضی از تنزیلها فقهاء می‌گویند ما عموم تنزیل را استفاده می‌کنیم ، گاهی اوقات قرینه داریم که از آن عموم تنزیل استفاده می‌شود.

در همین «الطواف بالبيت صلاة» هم قرائنی داریم ، مثل شهید و بعضی از فقهاء دیگر می‌گویند از این روایت عموم تنزیل را استفاده می‌کنیم الا ما خرج بالدلیل، یعنی این خودش يك عامی است بعداً هم اگر تخصیص خورد مانعی ندارد. اما اگر ما شك کنیم، اگر در شریعت يك تنزیلی شده و شارع فرموده است «کل مسکر خمر» ، ما نمی‌دانیم آیا شارع در این عبارت عموم تنزیل را اراده کرده است؛ یعنی «کل مسکر خمر فی جمیع الاحکام» یا این که فقط در يك جهتی تنزیل را اراده می‌کند.

ظاهر این است که نمی‌توانیم به ظاهر قضیه استناد کنیم و بگوییم ظهور در عموم دارد ، «الطواف بالبيت صلاة» اگر قرینه در کار نباشد و ما شك کنیم ، باید حمل بر مورد متیقن کنیم، اگر شارع فرمود «الطواف بالبيت صلاة» و ما در مقدار تنزیل شك داشتیم ، می‌گوییم فقط در همان باب طهارت است ، کما اینکه صلاة محتاج به طهارت است طواف هم محتاج به طهارت است. در مانحن فیه در «کل مسکر خمر» شك می‌کنیم، فرض این است که قرینه بر عموم تنزیل نداریم، شك می‌کنیم آیا «کل مسکر خمر فی جمیع احکام الخمر أو فی بعض احکام الخمر» اینجا باید به مقدار متیقن اکتفا کنیم و قدر متیقن حرمت ، شرب آن است، کما اینکه شرب خمر حرام است ، شرب هر مسکری حرام است . این جواب اول از این دلیل . پس جواب اول این است

که اینجا شك داریم که آیا تنزیل در عموم هست یا نه؟ قدر متیقن‌گیری می‌کنیم، قدر متیقنش این است که فقط تنزیل در جهت حرمت شرب است.

نقد دوم

جواب دوم این است که اگر فرض کنیم که این روایت هم عموم تنزیل دارد، یعنی اگر کسی گفت ما اگر شك کنیم متکلم در مقام بیان من جميع الجهات هست یا نه؟ می‌گوییم با توجه به «اصالة كونه فی مقام بیان عموم التنزیل» عموم تنزیل استفاده می‌شود، اما اشکال دوم این است که از کجا می‌گویید «کل مسکر» هم شامل مایعات است و هم شامل جامدات؟ در خود این روایات يك قرائنی وجود دارد که این مسکر یعنی مسکر مایع، مثلاً همین روایتی که از صحیحہ فضیل بن یسار خواندیم، در آنجا امام(ع) می‌فرماید «نعم الجرعة منه حرام»، يك «جرعه»، «جرعه» در جامدات نمی‌آید، «جرعه» فقط در مایعات است. پس در خود این روایات قرینه وجود دارد که این «کل مسکر» یعنی «کل مسکر مایع» دیگر شامل جامدات نمی‌شود.

قرینه دیگر این است که همین فضیل بن یسار يك روایت دیگری در همین باب از امام صادق(ع) نقل می‌کند که حضرت فرمود «حرم الله الخمر بعینها»، خداوند خمر را خداوند به عینها، یعنی بعنوان انما الخمر و المیسر تحریم فرموده است، «و حرم رسول الله المسکر من کل شراب» اصلاً در کافی يك بابی داریم بنام «تفویض النبی» برخی از واجبات که پیامبر(ص) معین و مقرر فرموده‌اند، همین روایت هم دلالت دارد برخی از محرمات را هم پیامبر مقرر فرموده‌اند، خداوند خود خمر را بعینها حرام کرده است و بعد می‌فرماید «و حرم رسول الله کل مسکر من کل شراب»، باز کلمه شراب دارد شراب و شرب در مایعات است. نفرمایید که آقا در باب دخان می‌فرمایند «شرب التوتون»، چرا که «شرب التوتون» يك اصطلاحی است که از نظر عرف داده شده است. شرب از نظر لغت مربوط به مایعات است. پس ببینید ما در خود این روایات قرینه روشن داریم که «کل مسکر» یعنی «کل مسکر مایع» این «الجرعة» و این روایت بعد، قرینه خیلی خوبی است بر این که مراد فقط در مسکرات مایع است. پس جواب این دلیل هم روشن است.

دلیل سوم و نقد آن

يك دلیل دیگر هم که شبیه همین دلیل است در صحیحہ علی بن یقطین در کتاب الاطعمه و الاشربة باب 19، از ابواب اشربة محرمه، حدیث يك و دو، می‌فرماید «فما كان عاقبته عاقبة الخمر فهو خمر» یا در يك روایت دیگر دارد «فما فعل فعل الخمر فهو خمر»، در این روایات هم همان جوابی که از روایات قبلی دادیم وارد می‌شود که ما از آنها نمی‌توانیم تنزیل در جميع آثار را استفاده کنیم و از آنها نمی‌توانیم استفاده کنیم که حتی در غیر مایعات بلکه فقط در جامدات است.

مؤید نقد دو دلیل

مؤید بر نقد این روایاتی که «کل مسکر خمر» و «ما كان عاقبته عاقبة الخمر فهو خمر» که این تنزیل در جميع احکام نیست؛ این است که هیچ فقیهی نگفته است مسکر جامد نجس است و اگر کسی دست به تریاک یا هروئین زد این نجس نیست. پس این که می‌گوید «ما كان عاقبته عاقبة الخمر فهو خمر» معلوم می‌شود تنزیلی در نجاست نیست. الا این که بگویید این عمومیت دارد بعداً در کتاب النجاسة نجاست این تخصیص خورده است، مگر این که کسی این حرف را بزند آن وقت این مطلب مؤید قرار نمی‌گیرد. هذا تمام الكلام در بحث خمر.

اتمام بحث اعیان نجسه

بحث ما از سال گذشته تا حالا در اعیان نجسه بود. بحث اعیان نجسه تمام شد از حالا به بعد بحث ما در اعیان متنجسه است.

و صلی الله علی سیدنا محمد وآله الطاهرين.